

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مباحث مشترک
آیین دادرسی مدنی
و
آیین دادرسی کیفری



مؤلفان
سمانه معصومی تروجنی
معصومه محمدی دارابی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: معصومی تروجنی، سمانه، ۱۳۶۶-
عنوان و نام پدیدآور	: مباحث مشترک آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری / مولفان سمانه معصومی تروجنی، معصومه محمدی دارابی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۱ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۶۵-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: آیین دادرسی -- ایران Procedure (Law) -- Iran آیین دادرسی مدنی -- ایران Civil procedure -- Iran آیین دادرسی جزایی -- ایران Criminal procedure -- Iran
شناسه افزوده	: محمدی دارابی، معصومه، ۱۳۶۵-
رده بندی کنگره	: KMH۱۶۵۱
رده بندی دیویی	: ۳۴۷/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۴۸۸۶۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

نام کتاب	: مباحث مشترک آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری
ناشر	: چتر دانش
مؤلفان	: سمانه معصومی تروجنی، معصومه محمدی دارابی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۱
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۶۵-۱
قیمت	: ۱۳۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

۷.....	فصل نخست: تعریف آیین دادرسی
۱۱.....	فصل دوم: شروع به رسیدگی
۱۵.....	فصل سوم: صلاحیت دادگاه‌ها
۲۹.....	فصل چهارم: رأی
۳۹.....	فصل پنجم: ابلاغ دادنامه
۴۷.....	فصل ششم: تصحیح رأی
۵۵.....	فصل هفتم: تجدید نظر خواهی
۹۹.....	فصل هشتم: فرجام خواهی
۱۴۳.....	فصل نهم: اعاده دادرسی
۱۶۱.....	فصل دهم: واخواهی
۱۷۵.....	فصل یازدهم: وکالت
۱۸۵.....	فصل دوازدهم: رد دادرسی
۱۹۷.....	فصل سیزدهم: اناطه
۲۰۳.....	فصل چهاردهم: نیابت قضایی
۲۱۳.....	فصل پانزدهم: کارشناسی
۲۳۱.....	فصل شانزدهم: گواهی و شهادت
۲۴۳.....	فصل هفدهم: معاینه محل و تحقیق محلی
۲۵۱.....	منابع و مآخذ

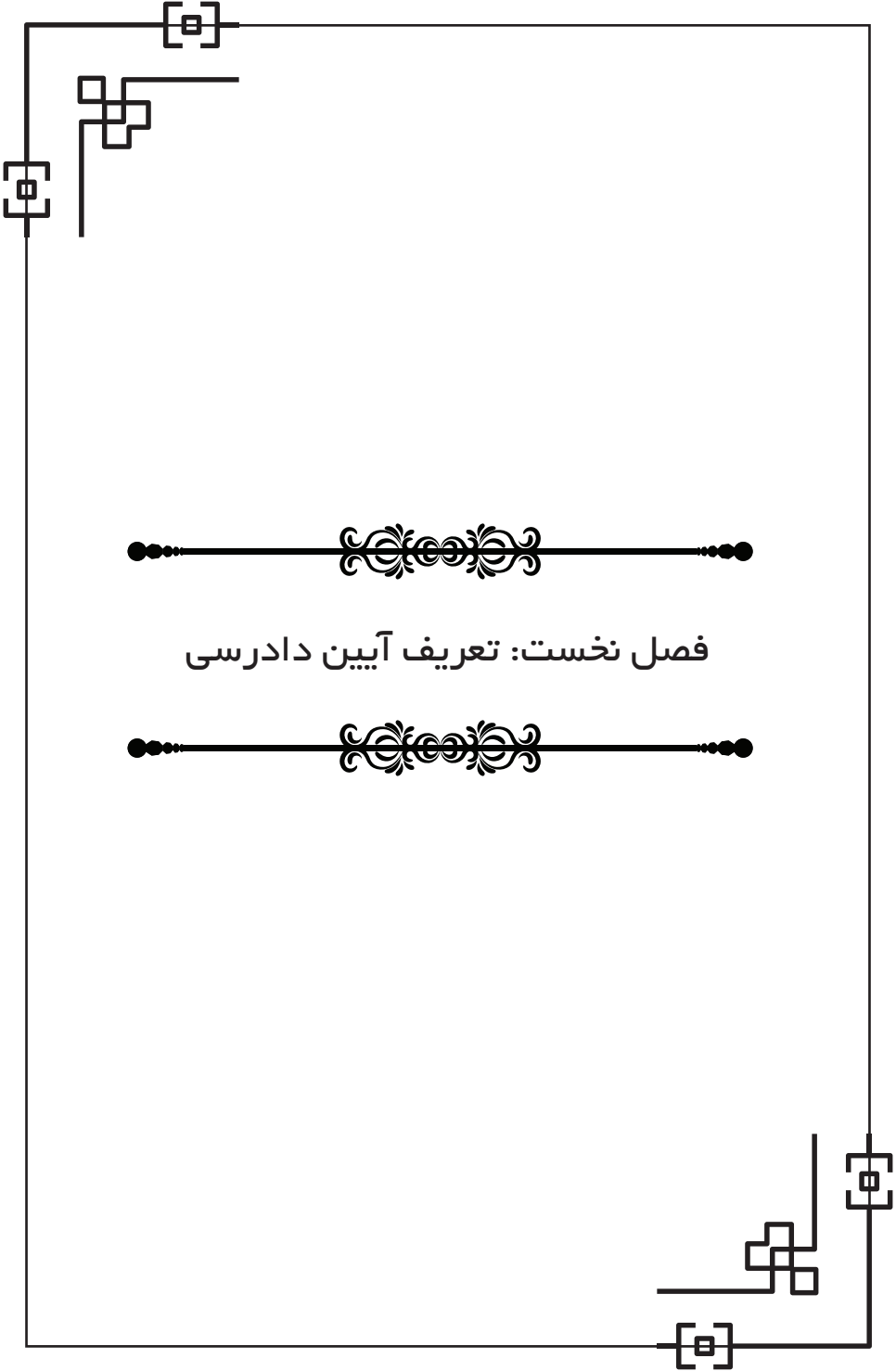
مقدمه

آیین دادرسی، مجموعه قوانین، اصول و قواعدی است که در مقام رسیدگی به دعاوی، محاکم و سازمان‌های ذی ربط مکلف به پیروی از آن می‌باشند.

از آن جایی که محاکم به حقوقی و کیفری تقسیم می‌شوند؛ آیین دادرسی نیز به آیین دادرسی مدنی و کیفری تقسیم می‌گردد. بنابراین دعاوی حقوقی مطابق آیین دادرسی مدنی در محاکم حقوقی و دعاوی کیفری مطابق آیین دادرسی کیفری در محاکم کیفری مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت.

در این میان چیزی که مورد توجه خوانندگان قوانین مزبور علی‌الخصوص داوطلبان آزمون‌های حقوقی قرار می‌گیرد و حتی در مواردی مشکل ساز می‌شود؛ نقاط مشترک این قوانین است که بعضاً منجر به عدم تفکیک صحیح میان شباهت و تفاوت‌های مباحث مشترک آن‌ها می‌شود. به عنوان مثال مباحثی نظیر تجدیدنظر خواهی، فرجام خواهی، اعاده دادرسی و ... میان دو قانون مشترک است ولی هر کدام دارای قواعد و مقررات خاص خود می‌باشند و بعضاً در مواردی کاملاً منطبق با هم هستند.

نگارندگان کتاب پیش رو در نظر دارند تا با یافتن مباحث مشترک دو قانون مذکور و ارائه تطبیقی آن‌ها به تثبیت هر چه بیشتر این مباحث در ذهن خوانندگان و عدم اختلاط مباحث مذکور برای داوطلبان آزمون‌های حقوقی، کمک کند.



فصل نخست: تعریف آیین دادرسی

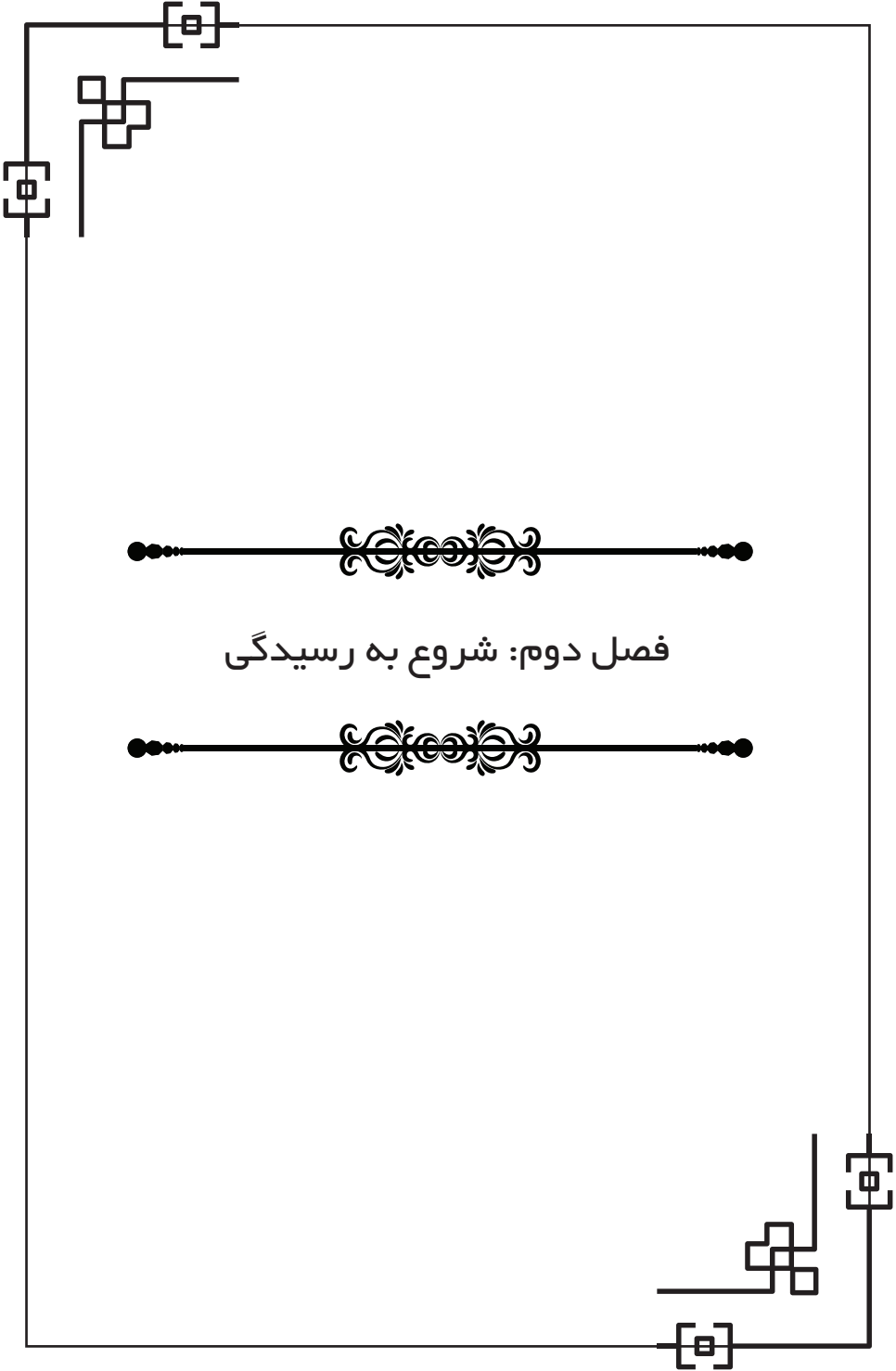
تعریف آیین دادرسی در امور مدنی

ماده ۱- آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

تعریف آیین دادرسی در امور کیفری

ماده ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
(ماده ۱)	(ماده ۱)
<p>مجموعه مقررات و قواعدی است که برای موارد ذیل وضع می‌شود:</p> <p>کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق:</p> <p>۱- متهم ۲- بزه‌دیده ۳- و جامعه وضع می‌شود.</p>	<p>مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به:</p> <p>امور حسبی کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی: عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، و دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به‌موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.</p>



فصل دوم: شروع به رسیدگی

شروع به رسیدگی دادگاه در آیین دادرسی مدنی

ماده ۴۸- شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد.

شروع به رسیدگی دادگاه در آیین دادرسی کیفری

ماده ۳۳۵- دادگاه‌های کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می‌کنند:

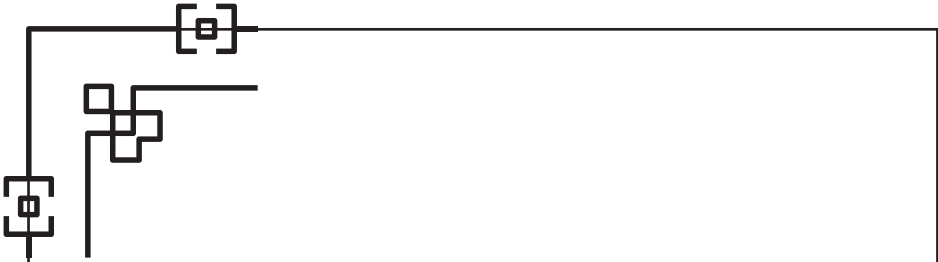
الف- کیفرخواست دادستان

ب- قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه

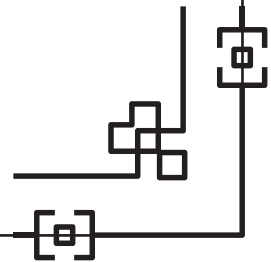
پ- ادعای شفاهی دادستان در دادگاه

ماده ۳۸۲- دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند، مگر در جرایمی که مطابق قانون لزوماً به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی واقع می‌شود. در این صورت، انجام تحقیقات مقدماتی مطابق مقررات برعهده دادگاه کیفری یک است.

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
(ماده ۳۳۵ و ۳۸۲)	(ماده ۴۸)
<p>دادگاه‌های کیفری در موارد ذیل شروع به رسیدگی می‌کنند:</p> <p>۱- کیفرخواست دادستان</p> <p>۲- قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه</p> <p>۳- اعای شفاهی دادستان در دادگاه</p> <p>* رسیدگی در دادگاه کیفری یک فقط و فقط در صورت صدور کیفرخواست است.</p>	<p>شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست به دفتر دادگاه صالح می‌باشد.</p> <p>* تقدیم دادخواست در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است؛ به دفتر شعبه اول به عمل می‌آید.</p>



فصل سوم: صلاحیت دادگاهها



صلاحیت دادگاه‌ها در آیین دادرسی مدنی:

ماده ۱۰- رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.

ماده ۱۱- دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد.

تبصره- حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد.

ماده ۱۲- دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد.

ماده ۱۳- در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود.

ماده ۱۴- درخواست تأمین دلایل و امارات از دادگاهی می‌شود که دلایل و امارات مورد

درخواست در حوزه آن واقع است.

ماده ۱۵- در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول و غیرمنقول باشد، در دادگاهی اقامه دعوا می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، به شرط آنکه دعوا در هر دو قسمت، ناشی از یک منشاء باشد.

ماده ۱۶- هر گاه یک ادعا راجع به خواندگان متعدد باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف اقامت دارند یا راجع به اموال غیر منقول متعددی باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف واقع شده‌اند، خواهان می‌تواند به هریک از دادگاه‌های حوزه‌های یاد شده مراجعه نماید.

ماده ۲۰- دعوای راجع به ترکه متوفی اگر چه خواسته، دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که ترکه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه می‌شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعوی یاد شده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزه آن بوده است.

ماده ۲۱- دعوای راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته، در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.

ماده ۲۲- دعوای راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است، همچنین دعوای مربوط به اصل شرکت و دعوای بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعوای اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود.

ماده ۲۳- دعوای ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می‌شود. اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعوای ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آنکه شعبه یاد شده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعوای در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

ماده ۲۴- رسیدگی به دعوای اعسار به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوای اصلی را دارد یا ابتدا به آن رسیدگی نموده است.

ماده ۲۵- هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی‌نفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از

کشور باشد در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.

صلاحیت دادگاه‌ها در آیین دادرسی کیفری:

ماده ۳۰۱- دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

ماده ۳۰۲- به جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود:

الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات

ب- جرایم موجب حبس ابد

پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف

دیه کامل یا بیش از آن

ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر

ث- جرایم سیاسی و مطبوعاتی

ماده ۳۰۳- به جرایم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود:

الف- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی‌الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه

جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام

ب- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری

پ- تمام جرایم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات

و اقلام و مواد تحت کنترل

ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است.

ماده ۳۰۴- به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و

نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده،

در بخش نگهداری جوانان که در قانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

تبصره ۱- طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.

تبصره ۲- هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی

به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع

به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در

دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و

نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.

ماده ۳۰۷- رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استان‌ها، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد

تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضاییه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.

ماده ۳۰۸- رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

ماده ۳۰۹- صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرایم اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون، اعم از آن است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.

ماده ۳۱۰- متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرایم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتداء تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد.

ماده ۳۱۱- شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام

متهم اصلی را دارد، مگر اینکه در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

تبصره- هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه‌های کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می‌شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۱۲- هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

تبصره- در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است.

ماده ۳۱۳- به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهمتر را دارد.

ماده ۳۱۴- هر کس متهم به ارتکاب جرایم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتداء در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد، محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می‌شود. در صورتی که اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود.

تبصره ۱- هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲- چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده (۳۰۲) این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

صلاحیت نخستین دادگاه‌ها:

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
(مواد ۳۰۱-۳۱۶)	(مواد ۱۰-۲۵)
<p>متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که:</p> <p>۱- جرم در حوزه آن واقع شود</p> <p>۲- اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف شود: دادگاهی که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده</p> <p>۳- چنانچه جرایم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد: دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود</p> <p>۴- چنانچه متهم دستگیر نشده: دادگاهی که ابتدا تعقیب در حوزه آن شروع شده</p> <p>۵- شرکاء و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که: صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر؛</p> <p>الف- هر گاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ این قانون باشند: به اتهام همگی، حسب مورد، در دادگاه‌های کیفری تهران و یا مراکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود.</p> <p>ب- چنانچه افراد مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند: به اتهام همگی در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود.</p> <p>۶- چنانچه یک طفل با مشارکت یا معاونت بزرگسال مرتکب جرم شوند، یا در ارتکاب جرم با بزرگسال معاونت نماید:</p> <p>فقط به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.</p>	<p>رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است مگر؛ در مواردی که قانون مرجع دیگری راتعیین کرده باشد. دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که:</p> <p>۱- خواننده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد.</p> <p>۲- اگر خواننده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد.</p> <p>۳- هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است.</p> <p>۴- هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد.</p> <p>۵- دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگر چه خواننده در آن حوزه مقیم نباشد.</p> <p>۶- در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که:</p> <p>الف- عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است</p> <p>ب- یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود.</p>

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
<p>۷- در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد: رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید. «اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است.»</p> <p>۸- به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهم تر را دارد.</p> <p>۹- متهم به ارتکاب جرایم متعدد که برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد:</p> <p>الف- متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهم ترین اتهام را دارد محاکمه می شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می شود.</p> <p>ب- چنانچه اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد: متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می شود.</p> <p>۱۰- اتهام به ارتکاب جرایم متعدد با صلاحیت دادگاه کیفری یک، کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان؛ در دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود.</p> <p>۱۱- چنانچه جرمی بنابر ماده ۳۰۲ این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد، دادگاه پس از رسیدگی تشخیص دهد که عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است: باید به رسیدگی ادامه داده و حکم مقتضی صادر کند.</p> <p>۱۲- ارتکاب جرم در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که در صلاحیت دادگاه های ایران باشد:</p> <p>الف- چنانچه متهم از اتباع ایران باشد: دادگاه محل دستگیری</p> <p>ب- اگر متهم از اتباع بیگانه باشد: دادگاه تهران صالح به رسیدگی می باشد.</p>	<p>۷- درخواست تأمین دلایل و امارات: از دادگاهی می شود که دلایل و امارات مورد درخواست در حوزه آن واقع است.</p> <p>۸- در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول و غیرمنقول باشد: در دادگاهی اقامه دعوا می شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، به شرط آنکه دعوادر هر دو قسمت، ناشی از یک منشاء باشد.</p> <p>۹- هر گاه یک ادعا راجع به خواندگان متعدد باشد که در حوزه های قضائی مختلف اقامت دارند یا راجع به اموال غیر منقول متعددی باشد که در حوزه های قضائی مختلف واقع شده اند: خواهان می تواند به هریک از دادگاه های حوزه های یاد شده مراجعه نماید.</p> <p>۱۰- دعوای طاری اگر با دعوای اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد: در دادگاهی اقامه می شود که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است.</p> <p>۱۱- دعوای راجع به تزکه متوفی اگر چه خواسته، دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که تزکه تقسیم نشده: در دادگاه محلی اقامه می شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده، و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد: رسیدگی به دعوای یاد شده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزه آن بوده است.</p> <p>۱۲- دعوای راجع به توقف یا ورشکستگی: باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته، در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.</p>

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
<p>۱۳- دادگاه‌های کیفری تهران: رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، (در صورتی که در قوه قضاییه انجام وظیفه کنند)، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی (در صورتی که در نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند، که در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران می‌باشد)، از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استان‌ها، (اعم از آن که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند).</p> <p>۱۴- دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم (مگر آن که رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد): رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران. (اعم از آن که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند).</p> <p>۱۵- دادگاه کیفری دو: صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد، مگر آن چه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.</p>	<p>۱۳- دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است، همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است: در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود.</p> <p>۱۴- دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت: در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می‌شود.</p> <p>اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آنکه شعبه یاد شده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.</p> <p>۱۵- رسیدگی به دعاوی اعسار: به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعاوی اصلی را دارد یا ابتدا به آن رسیدگی نموده است.</p>

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
<p>۱۶- دادگاه کیفری یک: الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات ب- جرایم موجب حبس ابد پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر ث- جرایم سیاسی و مطبوعاتی ۱۷- دادگاه انقلاب: الف- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام ب- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری پ- تمام جرایم مربوط به مواد مخدر، روان گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است. ۱۸- دادگاه اطفال: به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمرده در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره مند می‌گردد. * تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده ۳۱۵ این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود.</p>	<p>۱۶- هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی‌نفع مقیم خارج از کشور باشد: رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است. و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد: در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.</p>

نکات:

آیین دادرسی کیفری:

* در بند پ ماده ۳۰۲، قطع عضو غیر از قصاص عضو بوده و تنها مجازات دو جرم یعنی محاربه و سرقت حدی است، البته با این قید که جرم محاربه صرف نظر از مجازات آن، در صلاحیت دادگاه انقلاب است.^۱

* برای تشخیص صلاحیت دادگاه کیفری یک، مجازات مقرر قانونی برای رفتار مجرمانه مرتکب ملاک است و به امکان یا عدم امکان صدور حکم به آن مجازات و در نتیجه به مجازات‌های قضایی توجه نمی‌شود.^۲

* مصادیق بند ت ماده ۳۰۲:

۱- قاچاق سازمان یافته یا به شکل حرفه‌ای ارتکاب یافته باشد، یا کالاهای قاچاق جزو کالاهای ممنوع باشد و یا جرم ارتكابی مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی باشد.

۲- سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز تخلف محسوب شده و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.^۳

* در صورتی که جرایم مندرج در صلاحیت دادگاه انقلاب یکی از مجازات‌های مقرر در صلاحیت دادگاه کیفری یک را داشته باشد، با توجه به ماده ۲۹۷ باید گفت که تعارض صلاحیت دادگاه انقلاب و دادگاه کیفری یک به نفع دادگاه انقلاب حل شده است و دادگاه انقلاب به این جرم رسیدگی می‌کند.^۴

* استثناء قسمت اخیر ماده ۳۰۷ را قانون‌گذار برای موارد خاص، نظیر صلاحیت دادگاه‌های ویژه روحانیت پیش بینی نموده است.^۵

* استثناء قسمت اخیر ماده ۳۰۸ برای موارد پیش بینی شده که مرجع خاصی برای رسیدگی به جرم تعیین شده باشد، مانند جرایم پیش بینی شده در قانون مجازات اخلاگران در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹ که در آن دادگاه‌های پایتخت واجد صلاحیت رسیدگی اعلام شده اند.^۶

۱- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، همان، ص ۳۳۵

۲- همان، ص ۳۳۷

۳- همان، ص ۳۴۵

۴- همان، ص ۳۴۷

۵- همان، ص ۳۵۶

۶- همان، ص ۳۵۶

آیین دادرسی مدنی:

* اصحاب دعوا نمی‌توانند با توافق صریح و ضمنی دعوا را به قضاوت مرجعی واگذار نمایند که صلاحیت ذاتی ندارد؛ تراضی آنها، در هر حال بی اثر و غیر قابل اعتنا است؛ مگر خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.^۱

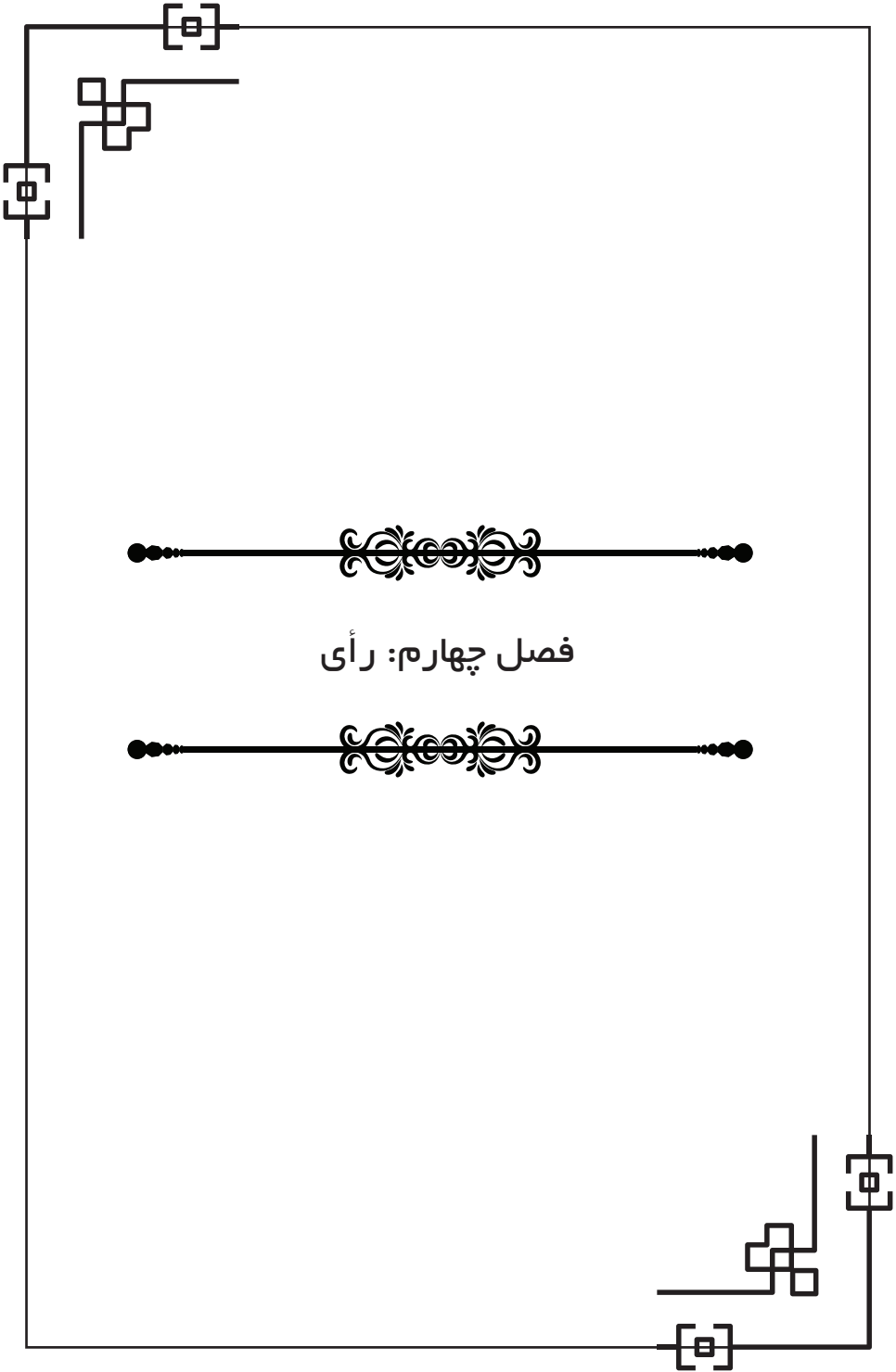
* چنانچه اقامتگاه شوهر نامعلوم بوده و یا زن با رضایت شوهر خود و یا با اجازه دادگاه، مسکن جداگانه اختیار نموده باشد، می‌تواند اقامتگاه شخصی جداگانه نیز داشته باشد. اقامتگاه زن ناشزه و هم چنین زنی که پس از انعقاد عقد ازدواج هنوز در محل قبلی خود سکونت دارد و به خانه شوهر نرفته تابع شوهر نمی‌باشد.^۲

* اقامتگاه انتخابی، در تعیین دادگاه صالح، تنها نسبت به طرفین عقد یا قرارداد مربوط و آن هم فقط نسبت به دعاوی راجع و یا ناشی از همان عقد یا قرارداد مؤثر است. از سوی دیگر، اقامتگاه انتخابی در صلاحیت محلی دادگاه در صورتی است که ملاک صلاحیت محلی دادگاه در رسیدگی به دعاوی مورد نظر، تنها اقامتگاه خوانده باشد.^۳

۱- شمس، عبد الله، آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین)، تهران، دراک، جلد اول، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۲ ص ۱۶۰.

۲- همان، ص ۱۶۴

۳- همان، ص ۱۶۵



فصل چهارم: رأی

صدور و انشاء رأی در آیین دادرسی مدنی:

ماده ۲۹۵- پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان دادگاه در همان جلسه انشاء رأی نموده و به اصحاب دعوا اعلام می‌نماید در غیر این صورت حداکثر ظرف یک هفته انشاء و اعلام رأی می‌کند.

ماده ۲۹۶- رأی دادگاه پس از انشاء لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرسی یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد:

۱- تاریخ صدور رأی

۲- مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه

۳- موضوع دعوا و درخواست طرفین

۴- جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی براساس آنها صادر شده است

۵- مشخصات و سمت دادرسی یا دادرسان دادگاه

ماده ۲۹۷- رأی دادگاه باید ظرف پنج روز از تاریخ صدور پاکت‌نویس شده و به امضای دادرسی یا دادرسان صادرکننده رأی برسد.

ماده ۲۹۸- در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد با درخواست خواهان، دادگاه مکلف به انشای رأی نسبت به همان قسمت می‌باشد و نسبت به قسمت دیگر، رسیدگی را ادامه می‌دهد.

ماده ۲۹۹- چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به‌طور جزئی یا کلی باشد، حکم، و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود.

صدور و انشاء رأی در آیین دادرسی کیفری:

ماده ۳۷۴- دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می‌کند. رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۳۷۵- دادگاه باید در رأی، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت واخواهی، تجدیدنظر و یا فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام باشد و دادگاه آن را غیرقابل واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام اعلام کند این امر، مانع واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی نیست.

ماده ۳۷۶- هرگاه رأی بر برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد، بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می‌شود.

ماده ۳۷۷- هرگاه متهم با صدور قرار تأمین در بازداشت باشد و به موجب حکم غیرقطعی به حبس، شلاق تعزیری و یا جزای نقدی محکوم شود، مقام قضایی که پرونده تحت نظر او است باید با احتساب ایام بازداشت قبلی، مراتب را به زندان اعلام کند تا وی بیش از میزان محکومیت در زندان نماند.

ماده ۳۷۸- رأی دادگاه باید حداکثر ظرف سه روز از تاریخ انشاء، پاک‌نویس یا تایپ شود. این رأی که «دادنامه» خوانده می‌شود با نام خداوند متعال شروع و موارد زیر در آن درج می‌شود و به امضای دادرسی یا دادرسان می‌رسد و به مهر شعبه ممهور می‌شود:

- الف- شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی
- ب- مشخصات دادگاه و قاضی یا قضات صادرکننده رأی و سمت ایشان
- پ- مشخصات طرفین دعوی و وکلای آنان
- ت- گردش کار و متن کامل رأی

ماده ۳۷۹- پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر آن ممنوع است. متخلف از این امر، حسب مورد، به موجب حکم دادگاه انتظامی قضات یا هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به سه ماه تا یک سال انفعال از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

ماده ۴۰۳- دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید.

ماده ۴۰۴- اعضای دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال، تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده، مشاوره می‌نمایند و در همان جلسه و در صورت عدم امکان، در اولین فرصت و حداکثر ظرف مدت یک هفته مبادرت به صدور رأی می‌کنند. در صورتی که بین اعضای دادگاه اتفاق نظر حاصل نشود رأی اکثریت معتبر است. انشای رأی به عهده رئیس دادگاه است، مگر آنکه وی جزء اکثریت نباشد که در این صورت، عضوی که جزء اکثریت است و سابقه قضائی بیشتر دارد، رأی را انشاء می‌کند. در صورت صدور رأی در همان جلسه، بلافاصله جلسه علنی دادگاه با حضور متهم یا وکیل او و دادستان یا نماینده او و شاکی تشکیل و رأی توسط منشی دادگاه با صدای رسا قرائت و مفاد آن توسط رئیس دادگاه به متهم تفهیم می‌شود. هرگاه رأی بر براءت یا تعلیق اجرای مجازات باشد، متهم به دستور دادگاه، فوری آزاد می‌شود.

تبصره- پس از ختم رسیدگی، چنانچه نظر به صدور رأی در همان جلسه باشد، اعضای دادگاه تا صدور رأی و اعلام آن در جلسه علنی نباید متفرق شوند. این حکم در مورد اعضای هیأت منصفه نیز جاری است.

ماده ۴۰۵- سایر ترتیبات رسیدگی در دادگاه کیفری یک همان است که برای سایر دادگاه‌های کیفری مقرر گردیده است.

زمان انشاء رأی:

آیین دادرسی مدنی	آیین دادرسی کیفری
(ماده ۲۹۵)	(مواد ۳۴۷ و ۴۰۴)
پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان در همان جلسه در غیر این صورت حداکثر ظرف یک هفته	الف- دادگاه کیفری دو: پس از اعلام ختم دادرسی در همان جلسه در صورت عدم امکان؛ در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته ب- دادگاه کیفری دو: پس از اعلام ختم رسیدگی در همان جلسه در صورت عدم امکان؛ در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته * پس از ختم رسیدگی، چنانچه نظر به صدور رأی در همان جلسه باشد، اعضای دادگاه تا صدور رأی و اعلام آن در جلسه علنی نباید متفرق شوند. این حکم در مورد اعضای هیأت منصفه نیز جاری است.

نکته:

- * صدور رأی قاطع در همان جلسه ای که اعلام ختم دادرسی شده و در حضور اصحاب دعوا در صورتی ممکن است که اصحاب دعوا نیز حاضر باشند.^۱
- * ظرف یک هفته نه تنها طرح ادعای جدید بلکه استناد به دلیل جدید نیز ممنوع است.^۲

۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین)، تهران، دراک، جلد دوم، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳

۲- همان، ص ۱۰۳

نکات مصرح در دادنامه:

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
(مواد ۳۷۸ و ۳۷۹)	(ماده ۲۹۶)
<p>۱- شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی</p> <p>۲- مشخصات دادگاه و قاضی یا قضات صادرکننده رأی و سمت ایشان</p> <p>۳- مشخصات طرفین دعوا و وکلای آنان</p> <p>۴- گردش کار و متن کامل رأی</p> <p>* پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر آن ممنوع است.</p> <p>تخلف از این امر موجب:</p> <p>سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی، به موجب حکم دادگاه انتظامی قضات یا هیأت رسیدگی به تخلفات اداری</p>	<p>۱- تاریخ صدور رأی</p> <p>۲- مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه</p> <p>۳- موضوع دعوا و درخواست طرفین</p> <p>۴- جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی بر اساس آنها صادر شده است.</p> <p>۵- مشخصات و سمت دادرس یا دادرسان دادگاه</p>

پاکنویس رأی:

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
(تبصره ۱ ماده ۳۸۰)	(ماده ۲۹۷)
<p>رأی دادگاه باید حداکثر ظرف ۳ روز از تاریخ انشاء پاکنویس یا تایپ شود.</p>	<p>رأی دادگاه باید ظرف ۵ روز از تاریخ صدور پاکنویس شده و به امضای دادرس یا دادرسان صادر کننده رأی برسد.</p>

تجزیه پذیری رأی:

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
	(ماده ۲۹۸)
	در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد: با درخواست خواهان، دادگاه مکلف به انشاء رأی نسبت به خواهان در همان قسمت می‌باشد و نسبت به قسمت دیگر، رسیدگی را ادامه می‌دهد.

ویژگی‌های رأی دادگاه:

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
(ماده ۳۷۴)	
<p>رأی دادگاه باید:</p> <p>۱- مستدل</p> <p>۲- موجه</p> <p>۳- مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است.</p> <p>* تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.</p> <p>* دادگاه باید در رأی خود موارد ذیل را قید کند:</p> <p>۱- حضوری یا غیابی بودن</p> <p>۲- قابلیت واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام</p> <p>۳- مهلت و مرجع آن</p> <p>* اگر رأی قابل واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام باشد و دادگاه آن را غیر قابل واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام اعلام کند این امر مانع واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام خواهی نیست.</p>	

اثر صدور رأی:

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
(مواد ۳۷۶ و ۳۷۷)	
<p>الف- هرگاه رأی بر: برائت منع تعقیب موقوفی تعقیب تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد: بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می‌شود. ب- هر گاه متهم با صدور قرار تأمین در بازداشت باشد و به موجب حکم غیر قطعی به: حبس شلاق تعزیری یا جزای نقدی محکوم شود، مقام قضایی که پرونده تحت نظر او است باید با احتساب ایام بازداشت قبلی، مراتب را به زندان اعلام کند تا وی بیش از میزان محکومیت در زندان نماند.</p>	

وظیفه انشاء رأی:

آیین دادرسی کیفری	آیین دادرسی مدنی
(ماده ۴۰۴)	
<p>در دادگاه کیفری یک انشاء رأی به عهده رئیس دادگاه است، مگر آن که وی جزء اکثریت نباشد، که در این صورت: عضوی که جزء اکثریت است و سابقه قضایی بیشتر دارد، رأی را انشاء می‌کند.</p>	

